

144313



صدرالدین محمد الشیرازی  
ملاصدرا  
(۱۰۵۰-۹۷۹ق)

کتاب  
اصنام الجاهلیة

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	144313
Tas. No:	2977 SAD.K

تصحیح تحقیق و مقدمه  
دکتر محسن جهاکیری  
استاد دانشگاه تهران

بإشراف  
استاد سید محمد خامنه‌ای

اهداء  
به روح متعالی استاد علامه آیت الله العظمی  
حضرت سید محمد حجت کوه کمر تبریز  
موقوفای ۱۳۷۲ ه. ق.

## بسم الله الرحمن الرحيم

هزار و سیصد و هفتاد و نه سال  
به پایان آمد این دفتر قضا را  
که توفیقی چنین ارزانیم داشت  
گزیده دفتری در علم و عرفان  
حدیث مصطفی و آل او هم  
نبینی اندر آن جز عقل و برهان  
هم از عقل و خرد پایه گرفته  
نه حکمی بر خلاف شرع باشد  
ازیرا حق صرف و محض نور است  
هر آن سالک که این دفتر بخواند  
امید است طالبان را کار آید

ز هجرت روز شنبه ماه شوآل  
سپاس و حمد گویم من خدا را  
که این دفتر به دست من بیاراست  
گرفته نشأت از آیات قرآن  
در این دفتر چو نر گشته فراهم  
نیابی اندر آن جز بطن قرآن  
هم از دین خدا مایه گرفته  
نه فکری بر خلاف عقل آید  
ز شطحیات و از طامات دور است  
مر او را علم و عرفان می‌فزاید  
و از ما یادگاری نیک ماند

### درآمد

بر اهل فضل پوشیده نیست که صدرا از فرهنگ‌دوستان و اندیشمندان بزرگ کشور عزیز ما ایران اسلامی، بلکه تمام دارالاسلام است؛ که شایسته حکمت، تشنه معرفت، شیفته حق و حقیقت و براستی طالبی عاشق و پژوهنده‌ای نستوه بوده؛ به

مطالعه و تحقیق و درس و بحث عشق می‌ورزیده و هیچ وسوسه و مشغله‌ای وی را از کسب دانش و تحصیل معرفت باز نمی‌داشته است. از وقتی خوش و خاطری آسوده نیز بهره‌مند بوده است؛ که به دربارها، دارالحکومه‌ها و ارباب مناصب و صاحبان زر و زور اعتنا نمی‌کرده و حتی از مردم عادی نیز اغلب کناره می‌گرفته است. و اصولاً به امور دنیوی و کارهای روزمره زندگی چندان کار نداشته و جز در حد ضرورت و تکلیف شریعت بدین امور نپرداخته است. و تازه این حد هم ظاهر امر بوده، که چنانکه خود گوید باطنش خلوت یار بوده است.

از برون در میان بازارم وز درون خلوتیست با یارم<sup>۱</sup>

در نتیجه تمام عمر عزیز را در تعلّم و تعلیم، تفکّر و تحقیق و تألیف و تصنیف گذرانید و از انجام کارهای علمی و فرهنگی لحظه‌ای بازنایستاد. پیش استادان بزرگ زمانش تلمذ کرد و شاگردانی فرهیخته و برجسته پرورش داد که در عصر خود از اعلام علم و عرفان بشمار آمدند.

علاوه بر آنکه به تألیفات و تصنیفات مستقل دست یازید، به برخی از آثار پیشینیان نیز حاشیه و تعلیقه نگاشت و آثاری فراوان و ارزنده از خود بیادگار گذاشت. مهمتر از همه اینکه در فلسفه نظریاتی جدید و افکاری بدیع پدید آورد، که از زمان حیاتش تاکنون مورد توجه و تحسین و تحقیق معارف‌خواهان، طالبان و استادان حکمت قرار گرفته است. همچنانکه در فلسفه مشاء و حکمت اشراق و سیر و سلوک عقلی و عرفان نظری مقامی والا داشت، در سیر و سلوک و تصوّف عملی هم براستی مرد عمل بود. وحی را نیکو می‌شناخت و به تفسیرش می‌پرداخت. به اصول و فروع دین

(۱) همین رساله، ص ۱۰۵. این بیت از اوحدی مراغی است. (ر.ک: تذکرة ریاض العارفین، رضاقلی‌خان هدیات،

مبین بدرستی آگاه و معتقد بود. باورهای دینی و عبادات و ریاضات شرعی را شرط اول حکمت و معرفت و سیر و سلوک می‌دانست. در ادای تکالیف شرعی هرگز کوتاهی نمی‌کرد و حتی به انجام مستحبات نیز اصرار می‌ورزید. هفت بار بقصد و نیت خانه خدا و انجام مناسک حج، دست از خانه و کاشانه و زن و فرزند برداشت و در آخرین سفرش به دیدار یار و لقاءالله توفیق یافت.

حاصل اینکه شخصیتی جامع، و در برخی از رشته‌های علمی مبتکر و صاحب‌نظر، و مسلمانی عالم و سخت معتقد و متشّرع بود؛ بطوری که می‌توان او را مانند پیشینیان دانایش - ابن‌سینا، ابوحامد غزالی، شیخ اشراق، محیی‌الدین ابن‌عربی و جلال‌الدین مولوی - از مفاخر امت اسلامی و از شخصیت‌های کثیرالابعاد تبار انسانی بشمار آورد. ما اینجا این قصد و وظیفه را نداریم که درباره تمام ابعاد فرهنگی این فرزانه نبیه و عارف عالم، سخن بگوئیم، که این وظیفه دیگران است؛ بلکه مقصود شناساندن بعد عرفانی اوست، که با رساله مورد تحقیق تناسب دارد، آن هم البته باجمال، که تفصیلش مستلزم تألیف رساله‌ای جداگانه است.

### استادان عارف مشرب صدرا

از آنجا که بنا بگفته پیر هرات: «دود از آتش و گرد از باد چنان نشان ندهد، که مرید از پیر و شاگرد از استاد»<sup>۱</sup> لذا مناسب آمد که از استادان عارف‌مشرب صدرا سخنی بمیان آید، که مسلماً این استادان در تحقّق حیث عرفانی و بعد معنوی وی تأثیر داشته‌اند.

صدرا در محضر سه تن از اعلام عصر خود و استادان بزرگ حوزه علمی اصفهان

(۱) رسائل خواجه عبدالله انصاری، ص ۲۹.

درس خواند، که هر سه، با تبخر در علوم دینی و فلسفی و با وجود اعتقاد راسخ به وحی و عقل، دل بسته و شیفته اشراق و عرفان بودند. و از معارف عارفان بهره‌ها داشتند و در عین حال از تصوف آمیخته به جهل و بیدینی و فریب و ریا و همچنین از شطحات و طامات برخی از متصوفان بیزار بوده، انتقادها می‌کردند.

این بزرگان عبارتند از: بهاء‌الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی جَبعی یا جُبَاعی معروف به شیخ بهائی متوفای ۱۰۳۰ ه. ق؛ محمدباقر بن میرشمس‌الدین محمد حسینی استرآبادی اصفهانی معروف به میرداماد متوفای ۱۰۴۱ ه. ق؛ میر ابوالقاسم فندرسکی معروف به میرفندرسکی متوفای ۱۰۵۰ ه. ق.

شیخ بهائی تقریباً به همه علوم و فنون زمانش وارد و باصطلاح ذوفنون بود. در علوم دینی مقامی بسیار والا داشت. از فقیهان و مجتهدان عالی‌مقام عصر خود بشمار می‌آمد. کتاب قابل تحسین جامع عباسی در فقه شیعه امامیه از آثار اوست. او عملاً به کار فقیهان می‌پرداخت. مقام عالی شیخ‌الاسلامی هرات و اصفهان را داشت. در علوم عقلی نیز شهره بود؛ از ریاضیدانان و معماران نامی عصرش بشمار آمده، در این علوم و فنون نیز از خود آثاری ارزنده و گرانبها به یادگار گذاشت، که اینجا جای ذکر آنها نیست.

اما بیش از همه او صوفی صافی و عارفی آگاه بود و در رسیدن به حقیقت، علوم رسمی را بچیزی نمی‌گرفت و بی‌حاصل و بیثمر می‌انگاشت و بی‌پروا ندا درمی‌داد که:

شراب عشق می‌سازد ترا از سز کار آگاه نه تدقیقات مشائی، نه تحقیقات اشرافی<sup>۱</sup>  
 شیخ به عارفان بزرگ، همچون محیی‌الدین ابن‌عربی و جلال‌الدین مولوی عشق و ارادت می‌ورزید و تا می‌توانست مقامات معنوی و کمالات عرفانی آنها را می‌ستود. از

(۱) شیخ بهائی، کلیات، ص ۶۰.

محیی‌الدین با عنوان باشکوه «عارف کامل» نام برد<sup>۱</sup>. و جلال‌الدین را «حکیم معنوی» شناساند<sup>۲</sup> و این شعر نغز را نثارش کرد:

من نمی‌گویم که آن عالیجناب هست پیغمبر ولی دارد کتاب<sup>۳</sup>

شیخ علاوه بر این که در مثنویها و منظومه‌های خود به ستایش از عرفان و عارفان پرداخت، رساله مستقلی هم بنام «رسالة في الوحدة الوجودية» نگاشت که در مصر به زیور طبع آراسته شد، که خلاصه‌ای از وحدت وجود ابن‌عربی است. من‌گزیده‌ای از آن را در سال ۱۳۵۴ بزبان فارسی در مجله اختصاصی فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (شماره ۱) به چاپ رساندم.

اما باید توجه داشت که او با همان شدت و حدت که به ستایش از عرفان راستین - یعنی عرفانی که همراه با علم و مطابق با شریعت محمدی است - و عارفان کامل - یعنی عارفانی که از فضائل علمی و کمالات دینی برخوردارند - می‌پردازد، از تصوف بدون علم و دین و از صوفی‌نمایان نادان و ریاکار انتقاد می‌کند و آنان را دشمن علم و دین می‌شناسد و شکمچران و فریبکار و اولیای شیاطین می‌خواند. او رساله «موش و گربه» را جهت برملا ساختن نیرنگها و مکرهای آنها نگاشته است.<sup>۴</sup>

میرداماد از فقیهان و حکیمان نامدار عصر خود و از استادان بزرگ حوزه علمی اصفهان بشمار می‌آمد. در فقه کم‌نظیر و در حکمت بینظیر بود. کتاب شفا درس می‌داد. صدرا در حکمت به شاگردی وی افتخار می‌کرد. از ارسطو و ابن‌سینا بزرگی نام می‌برد و با آب و تاب فراوان به نقل افکار و اقوالشان می‌پرداخت. کتابهایش پر از سخنان ارسطو، ابن‌سینا و فارابی است. او بسختی پایبند عقل و برهان بود و برخلاف

(۱) ر.ک: شیخ بهائی، اربعین، ص ۱۵۷.

(۲) ر.ک: شیخ بهائی، کلیات (نان و حلوا)، ص ۲۴.

(۳) روضات الجنات، ج ۸، ص ۷۴.

(۴) ر.ک: شیخ بهائی، کلیات (رساله «موش و گربه»).